



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۲۱



م. اسحاق نگارگر

این جا عیسی ها همه یهودا شده اند!



می گویند کلیسای روم از لئوناردو داوینچی نقاش معروف خواسته بود تابلوی شام آخر مسیح را نقاشی کند. داوینچی در تلاش پیدا کردن چهره به روحانیت و معصومیت مسیح بود تا در میان گروهی که در کلیسا دسته جمعی آواز می خواندند جوانی را با همان روحانیت و معصومیت یافت و او را با خود بُرد و تصویرش را برای شام آخر مسیح نقاشی کرد.

اما در این شام یهودای اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد نیز حضور داشت و داوینچی برای تصویر یهودا قیافه ای را کار داشت که خبانت و خیانت از سرا پای آن ببارد و هر چه می گشت نمی یافت.

سه سال گذشت و کلیسای روم بر داوینچی فشار می آورد که کار تابلو را تمام کند تا بالاخره در یکی از ویرانه های شهر مردی را دید که از بس مست بود سر از پا نمی شناخت و داوینچی در او همه خاصیت های یهودا را یافت و به شاگردان خود گفت که او را به کارگاه نقاشی اش ببرند. او را بُردند و وقتی داخل کارگاه شد تصویر معصوم خود را دید و گفت:

«من قبلاً آن تصویر را دیده ام.»

شاگردان گفتند:

«امکان ندارد چون آن تصویر از اینجا بیرون نرفته است.»

مرد مست پاسخ داد چند سال قبل آن گاه که الکول و مستی مرا از خدا جدا نکرده بود این جا آمده بودم تا از من به عنوان مسیح تصویر برداری کنند.

این حکایت را با خود داشته باشید که در زبان دری می گویم هر چه در کان نمک بیفتد نمک می شود. من نمی دانم چه کسی گفته است که سیاست یک بازی کثیف است.

او شاید به این دلیل سیاست را بازی کثیف خوانده باشد که در برخی از جوامع سیاستمداران قصدی جز فریفتن مردم ندارند. اینان گفته های سخت نقیض نسبت به همدیگر تحویل می دهند و انتظار دارند که مردم هر چه از ایشان می

شنوند بدون چون و چرا بپذیرند و همین گونه سیاستمداران استند که سیاست را یک بازی کثیف می سازند و قصدشان از سیاست ارشاد و رهبری مردم به سوی خیر و فلاح نیست و در محیط و ماحول این گونه سیاست است که رهبران فرصت طلب و ابن الوقت استند به مردم نیز یاد می دهند که نان خود را به نرخ روز بخورند و از هر سو که باد وزید خرمن را همان سو باد کنند.

این سیاستمداران در چار چوب حزب و عقیده نمی گنجند و اصولاً مرامنامه سیاسی ندارند و به مردم از شعار های گلی که محلی از تطبیق ندارد صحبت می کنند.

درد را تشخیص نداده اند و درمان را نیز نمی شناسند ولی داد می زنند که قصد ما نجات مردم است از این یا آن مصیبت گریبانگیر اما نمی گویند که به طور مثال چرا و چگونه آن مصیبت بر جامعه مستولی شد و چه کارها برای جلوگیری از آن ممکن بود که صورت نپذیرفت و آن چه ما می کنیم با آنچه دیگران پیش از ما کرده اند چه تفاوت های ماهوی خواهد داشت.

پنجاه سال در این جامعه تخم دروغ و ریا کاری کاشته اند و اینک در دنیای سیاست غیر از دروغ؛ ریاکاری و فریفتن مردم چیزی نمی روید. اینجاعیسی ها همه به یهوداها بدل شده اند. در این مُرداب درخت صدق و راستی که میوه اش رهبری چون مندیلا باشد رُستنی نیست.

آری اگر رهبری چون مندیلا بیاید اولین شغل سیاسی اش همین خواهد بود که این مُرداب را پاک کند؛ خاک آلوده اش را دور بریزد و در آن خاکی که برای کشت تقوی؛ فضیلت و راستی مساعد باشد بریزد و به مردم بفهماند که سیاست همین دیده درایی و مردم فریبی نیست بلکه سیاست ایجاد تغییر مطلوب و حاکم ساختن پرنسپهای عدالت و قانون است. در سیاست حرف های گلی و فاقد محتوی در کار نیست بلکه مرامنامه در کار است. سیاستمدار باید به مردم بگوید که در دوران چهار سال کار خود چند در صد جامعه را در زمینه های اقتصاد، معارف، بی نیازی از کمک های پُر از غَرَض و مرض بهبود تلقی ها نسبت به مهارت های زنان و غیره رو به جلو می بُرد. نه این که بگویند افغانستان را نجات می دهیم ولی نگویند که نجات از چه چیز؛ چه گونه و با کدام اقدامات مشخص.

یکی پیدا نمی شود که بگوید «من کم از کم ده تن را که مسؤول مصیبت های امروز استند در سطح ملی محاکمه و جریان را از همه منابع نشراتی پخش می کنم. آنان که دیروز خود از کرسی اقتدار پایین آمده اند یا پایین ساخته شده اند می آیند و در ذهن مردم شک ایجاد می کنند ولی کار این شک ایجاد کردن ها هرگز به تحقیق و محاکمه نمی کشد و شک هایی به وجود آمده از ذهن ها زُدوده نمی شود.

سیاست ضرورتاً بازی کثیف نیست ولی در هر جا که عیسی های صادق به یهودا های کاذب بدل شوند سیاست ناگزیر به کثیف ترین بازی ممکن بدل می شود. آری یهودا های ریا کار فاقد اعتقاد سیاسی را که هر روز اعتقادی دیگر دارند از رینگ بوکسینگ سیاست بیرون اندازید و از حافظ بشنوید که:

**تخم دیگر به کف آریم و بکاریم از نو
کآنچه کشتیم ز خجالت نتوان کرد دَرُو**

اگر مرد میدان سیاست استید این طویله های اوجیاس سیاست را که بوی آن سخت دماغ آزار شده است پاک کنید. نه از این بنالید و نه از آن فقط از خود بنالید که به نیروی آفرینندگی و ابتکار این مردم صبور و قانع اعتماد نکرده اید. والله اعلم بالصواب. نگارگریستم جنوری ۲۰۱۹ برمنگهم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



این جا عیسی ها همه یهودا شده اند!

n_negargar_injaa_issa_haa_yahoodaa_shoda_and.pdf